

سخن سرد چو

عن أبي عبدالله عليه السلام في خطبة له يذكر فيها حال الأئمة عليهم السلام وصفاتهم:

إن الله عزوجل أوضح بأئمة الهدى من أهل بيت نبينا عن دينه... وفتح بهم عن باطن ينابيع علمه؛ فمن عرف من أمة محمد صلى الله عليه وآله واجب حق امامه، وجد طعم حلاوة إيمانه وعلم فضل طلاوة إسلامه؛ لأن الله تبارك وتعالى نصب الإمام علماً لخلقهم وجعله حجة على أهل مواده وعالمه وألبسه الله تاج الوقار وغشاه من نور الجبار... ولا يقبل الله أعمال العباد إلا بمعرفته... جعلهم الله حياة للأنام ومصاييح للظلام ومفاتيح للكلام ودعائم للإسلام... فالإمام هو المنتجب المرتضى والهادي المنتجى والقائم المرتجى؛ اصطفاه الله بذلك واصطنعه على عينه في الذر حين ذراه وفي البرية حين برأه؛ همانا خداوند به وسيله امامان هدايت - از اهل بيت پيامبر ما - دين خود را آشكار کرده و سرچشمه های مکنون علم خود را گشوده است؛ پس تنها هر که از امت پيامبر، حق واجب امام خود را بشناسد، شيريني طعم ايمانش را می چشد و حسن برتری اسلامش را می يابد؛ زیرا خداوند متعال، امام را هم چون نشانه ای برای خلق خود برافراشته و او را ميزان سنجش حق و باطل بر اهل عالم گذاشته است. خداوند بر سرش تاج عظمت و وقار نهاده و او را در نور کبريایی جبار جا داده است... واعمال بندگان را جز به معرفت او نمی پذيرد. خدا آنان را حیات خلقت و نورافروزان ظلمت و سرآغازان هر کلام و استوانه های اسلام قرار داده و اين امام است که برگزیده پسندیده و هدايت گر صاحب سر و فرازنده مورد اميد باشد. خداوند در عالم ذر و به گاه خلقت ابتدائی خلایق او را بدینها برگزید و دیده به عنایتش بر ساخت.

بررسی و واکاوی روایات فرازمند و متعالی اهل بیت عليهم السلام درباره امام و امامت، زوایای آشکار و نهان بسیاری را در مقابل دیدگان امامت پژوهان می گشاید که از جوانب مختلفی قابل گفت و گو، تبیین و تحلیل اند. یکی از این جوانب شکوهمند، گستره جمعی است که در آن - دست کم - ارکان زیر قابل تشخیص اند:

۱- منظر وجودشناختی تکوینی اهل بیت و امامان اهل بیت (علیهم السلام) و جایگاه ایشان در منظومه آفرینش.

۲- دیدگاه معرفت شناختی؛ با رویکرد به تبیین‌های کارکردی و کاربردی امام و امامت و تحلیل مقامات و مناصب راهبردی امام در حوزه‌های هدایت، دلالت و تشریح.

۳- بیان شفاف ربط و نسبت میان مقام و منصب تشریحی امام با داشته‌ها و واجدیت‌های تکوینی و آفرینش او.

۴- مدخلیت‌بخشی به مسأله ایمان و باور نسبت به آموزه امامت در فهم عقلانی دین و نیز ساحت قلبی ایمان و بر جان و دل نشستن آیین.

۵- ارتباط‌دهی دیگر آموزه‌ها و عقاید مکتب حقه با مسأله امامت؛ آموزه‌هایی چون: قبولی اعمال، حجیت کتاب و دیگر عوامل و نشئات آفرینش چون عالم ذر و...

با نظر به آن چه گذشت باید گفت که بحث امامت، همچون اقیانوسی است که پرداختن به هر کرانه آن نباید امامت‌پژوه دقیق را از دیگر کرانه‌ها غافل کند؛ زیرا این غفلت می‌تواند به عدم شناخت دقیق و عمیق از امامت منجر شود. این وسعت نظر (دقت به همه جوانب) از بایسته‌های مهم در عرصه امامت‌پژوهی است؛ هم در مقام اثبات، هم در مقام تحلیل و هم در مقام دفاع و پاسخ‌گویی به شبهات. بنابراین خود و همه امامت‌پژوهان ارجمند را به اعتنا و توجه بیش‌تر به این اصل فرا می‌خوانیم.

با این مقدمه و با مسألت از امام عصر (علیه السلام) و قرائت دعای فرج آن حجت معصوم حق، پنجمین دفتر امامت‌پژوهی را می‌گشاییم.

در قسمت مقالات این شماره، مسأله شورا و نقش آن در تعیین امام (علیه السلام) و نیز جایگاه حدیث شریف سلسله‌الذهب نزد اهل سنت بررسی شده است. معنای امام در معنویت شیعی عنوان مقاله‌ای است که از یکی از مستشرقین در حوزه امامت در این شماره منتشر شده است.

موضوعی که در پرونده علمی این شماره مورد مذاقه قرار گرفته است واکاوی برخی زوایای ادبیات ولایی می‌باشد که طی آن موضوعات مختلفی مطرح گردیده از جمله: ادب آیینی، حماسه مذهبی، شعر آیینی معاصر و چیستی ادبیات متعهد.

کتاب اثبات ولایت مرحوم نمازی شاهرودی در بخش کتاب شناخت معرفی شده و در بخش نقد نیز به شبهه جیش یمن در حدیث غدیر که توسط برخی از اهل تسنن مطرح شده و

دستمایه وهابیت خارجی و نیز وهابیت درونی قرار گرفته پاسخ داده شده است. نمایه‌ای از موضوعات مربوط به چهار شماره نخستین فصلنامه جهت تسهیل در دسترسی محققین به مطالب مورد نیاز، در انتهای این شماره آورده شده است. ضمن سپاس و تشکر از محضر خداوند متعال، آرزومند قبولی این پیشکش ناقابل توسط خاندان جود و کرم، اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام هستیم.

پوزش و تصحیح

به استحضار خوانندگان محترم می‌رساند متأسفانه به دلیل برخی مشکلات، در شماره پیشین فصلنامه، بخش نتیجه‌گیری مقاله "نگاهی تحلیلی به تکاپوهای فکری شریعت سنگلجی" حذف گردیده بود. تحریریه فصلنامه امامت پژوهی ضمن پوزش از مولف محترم و خوانندگان گرامی، قسمت حذف شده از مقاله مذکور را ارائه می‌نماید:

نتیجه‌گیری

این نوشته بر آن بود تا دورنمایی از فکر و اندیشه شریعت سنگلجی را بنمایاند. این شخص یکی از تأثیرگذاران فکری در دهه‌های نزدیک به زمان حاضر است که هم با تکاپوهای خود، و هم به سبب برخی درس‌آموختگانش توانست بر محیط دینی ایران اثر بگذارد. شریعت در زمانی که به تبلیغ فکر اصلاح دینی مورد نظر خود پرداخت که حکومت پهلوی اول نیز بر همان مسیر گام برمیداشت. فکر اصلاح دینی شریعت بر پایه‌هایی مانند نفی مهدویت مورد اعتقاد شیعه، و انکار اعتقادهایی مانند رجعت شخصی، معراج، معجزات رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم (جز قرآن)، و ... استوار بود. وی آداب و رسوم را نیز به جامعه خود نسبت می‌داد و آنها را شرک میخواند مانند برخی اعتقادات یا آداب مربوط به شفاعت، زیارت، و توسل. بر همین اساس بود که او از سوی حکومت وقت مورد هیچگونه فشاری نبود گذشته از آن که شخص رضاشاه نیز به او علاقه داشت و عالمی دانشمندش می‌دانست. رفتار حکومت با دستگاه تبلیغی شریعت سنگلجی مورد توجه مخالفان او قرار گرفته و ایشان وی را شخصی وابسته به دربار می‌دانستند. یکی از مصداق‌های مهم حمایت دستگاه حاکم جلوگیری از طبع نقد کتاب «اسلام و رجعت» بود. آنچه در این میان مهم می‌نماید، خاستگاه فکری شریعت سنگلجی است. برخلاف تصور رایج که او را

«مرعوب عقائد وهابیه و بعضی از نویسندگان متجدد مصری» می‌داند، باید گفت که ریشه افکار وی در تکاپوهای تجدید نظرطلبانه بابیان (ازلین) در دوره قاجار بوده است. ایشان که به سبب سختگیری‌های حکومت ناصری به «سنت نهان‌زیستی» روی آورده و خود را مسلمان و شیعه می‌نمایانند، برای نزدیک کردن مخاطبان خود به اعتقاد بابی یا کاستن از شدت دین‌مداری مرسوم در آن زمان به موضوع ضرورت پیراستن خرافات از اسلام پرداختند. آنان با این روش در قالب مسلمانانی مصلح و مترقی عمل می‌کردند. بدین ترتیب ضمن مصون ماندن از اتهام گاه وحشتناک بایگیری، مخاطبان خود را حداقل قدمی به ضرورت تجدید دین نزدیک می‌کردند. نمونه‌هایی از این دیدگاه‌ها از دو رساله‌ی «تحریر العقلاء» و «سؤالات سبعة» نقل شد. تحریر العقلاء اثر حاج شیخ هادی نجم‌آبادی، یکی از بزرگان بابیان (ازلین) تهران، بود که با ظاهر یک روحانی شیعه به نشر آموزه‌های اصلاح دینی می‌پرداخت. مروری بر تحریر العقلاء نشان می‌دهد که آن کتاب اصول فکری داعیان اصلاح دینی بعدی را در بر دارد. شیخ با طرح همین نکات «مردم را به شک می‌انداخت» و «عقاید موهوم را نابود می‌کرد.» دیده شد که این کتاب نشان از آن دارد که نویسنده‌اش همان خرافات مورد نظر شریعت سنگلجی را عامل دوری مسلمانان و شیعیان از اسلام دانسته و به ضرورت تجدید اسلام خرافات‌زده به آیین باب رسیده است. شریعت که نظری احترام‌آمیز به شیخ هادی نجم‌آبادی داشت، با شاگردی نزد پدرش، شیخ حسن سنگلجی، و سید اسدالله خرقانی که هر دو از شاگردان نزدیک شیخ بودند، به او پیوند می‌یافت. گذشته از آن، خود نیز در سالهای کودکی محضر شیخ را درک کرده بود. رویکرد سید اسدالله خرقانی هم در مجموع همان اصلاح دینی مورد نظر شریعت بود. او نیز مانند استادش به بایگیری متهم شده بود. اتهامی که به نظر می‌رسد چندان بی‌اساس هم نبوده است. نکته مهم اینجاست که بابیان (ازلین) در لباس اسلام بر روی برخی باورها و اعتقادهای رایج در میان شیعیان دست گذاشته و آنها را موجب انحطاط شرک‌آلود ایشان و دوریشان از تعالیم راستین قرآن می‌دانستند. در این مرحله مخاطبان ایشان مسلمانانی متجدد و منتقد بازمی‌آمدند. به نظر می‌رسد که در قدم بعد و در صورت وجود شرایط لازم، بر ضرورت تجدید دین و نزول آیین جدید تأکید می‌کردند بدین ترتیب که چون بازگشت به اسلام نخستین به سبب شدت خرافات بسته شده بر آن ممکن نیست، خداوند آیینی جدید را قرار داده است. با این ترتیب، فکر اصلاح دینی در نظر ایشان پل گذاری بود از اسلام به آیین

باب. وهابیان نیز بر همین مصداق‌های خرافی نظر داشتند. ایشان بر آن بودند که امت اسلام و به ویژه شیعیان از تعالیم راستین قرآن دور شده و ضروری است تا دیگر بار به آن روی آورند. با این ترتیب است که می‌توان فرض کرد شریعت سنگلجی با پرورش در فضای اصلاح دینی شیخ هادی نجم‌آبادی و شاگردانش - که ریشه در اعتقاد بابی شیخ داشت، - به مکه سفر کرد و با اندیشه‌های وهابیان آشنا شد و آنها را در مسیر همان فکر پیشین خود یافت. بدین ترتیب شریعت سنگلجی را نقطه تلاقی «تجدیدنظرطلبی دینی بابیان به ظاهر مسلمان ایران» و «بنیادگرایی وهابیان عربستان» باید دانست. از همین روست که ادامه دهندگان مسیر او در جامعه دینی ایران بیشتر با عنوان‌هایی چون «وهابیان ایرانی» یا «وهابی‌زدگان» و «متوهبه» خوانده شدند. با توجه به آنچه گذشت، باید نتیجه گرفت که این تعبیرها دقیق نیست چرا که ریشه فکری این گروه نه در تعالیم وهابیان بلکه در آموزه‌های بابیانی است که در ظاهری اسلامی سعی داشتند فکر دینی ایرانیان را تغییر دهند.